

به یاد استادم: محمد تقی دانش پژوه

داستان "ربع رشیدی" یا شهرکی که خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸ ق)، وزیر دانشمند ایلخانان بزرگ ایران، در حدود سال ۷۰۰ ق، در سمت شرقی تبریز (دامنه کوه سرخاب) در داخل باروی غازی ساخته بود چندان پرآوازه است که در اینجا حاجتی به شرح و تفصیل در باب آن نباشد. اما یکی از عمارات ربع رشیدی کتابخانه مشهور آنجاست، چنان که خود خواجه رشید دو «بیت الکتاب» را در جوار گنبد میانی (در سمت راست و چپ آن) با حدود بیش از ۶۰۷۰۰۰ مجلد کتاب یاد کرده است. از جمله گوید هزار عدد مصحف در آنجا نهاده که ۴۰۰ نسخه با حل طلا نوشته و ۱۰ نسخه به خط یاقوت مستعصمی، خوشنویس نامدار، و نیز تنها ۶۰۷۰۰۰ دینار (زر) از برای نگارش و نگارگری و جلدسازی نسخه‌های جامع التواریخ خود هزینه کرده است.^۱

باری ربع رشیدی که خواجه همدانی برای آن بذل جهد و مال بسیار کرد، در پی قتل او یکسره دستخوش نهب و غارت جهال و همج رُعاع شد؛ یک چند روتق سابق را فرزند دانشمند و خردمندش، خواجه غیاث الدین وزیر، به آنجا بازگرداند، ولی دیری نپایید که باز در پی قتل او هم (۲۱ رمضان ۷۳۶ ق) روی به ویرانی نهاد و تمام اموال و موقوفات آن مصادره شد و آن کتاب‌های نفیس جملگی به تاراج رفت؛ اکنون اطلال خرابه‌های ربع رشیدیه در سمت شرقی تبریز، حاکی از وجود آن بنیاد بزرگ نیکوکاری و دانش گستری ایران در گذشته دور است.

گاهی در فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه‌های غالباً خارج از کشور، یا نظر به طبع بعضی کتاب‌ها که شرح نسخه بدل‌ها را داده‌اند، بر حسب مشخصات آنها و برخی قراین و امارات تصریحی یا تلویحی، ظن محتمل بر آن

نسخه «الآثار الباقیه» ربع رشیدی

پرویز ادکایی*
همدان

چکیده: ربع رشیدی مهم‌ترین مرکز علمی-آموزشی در قرن هفتم است که به دست وزیر دانشمند ایلخانان، خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸ ق) ساخته شد. این مقاله به بررسی نسخه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰ ق) می‌پردازد و نویسنده می‌کوشد ضمن برشمردن دیگر نسخه‌ها با ارائه قراین و شواهد اثبات کند که نسخه خطی موجود در دانشگاه ادینبورگ انگلستان، همان نسخه‌ای است که در تبریز و برای کتابخانه ربع رشیدی "فراهم گشته است."

کلید واژه: ربع رشیدی؛ دانشگاه ادینبورگ (انگلستان)؛ الآثار الباقیه؛ ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، ۳۶۳-۴۴۲ ق.

۱. نک: پرویز ادکایی، تاریخ نگاران ایران، تهران، ۱۳۷۳، بخش یکم، ص ۳۳۸-۳۳۹.

*دکترای تاریخ؛ نویسنده و مترجم.

می رود که نسخه ای معین بازمانده از کتابخانه تاراج شده ربع رشیدی وجود داشته باشد؛ چنانکه از این دست شاید بتوان برخی نسخه های مجلدات خود جامع التواریخ رشیدی را یاد کرد که اکنون شرح چنین بازیافت های گاهمی و اتفاقی از گفتار ما بیرون است. اما یکی از موارد مذکور به گمان و حدس قریب به یقین، نسخه کتاب الآثار الباقیه ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰ق) موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ انگلستان است و گفتار حاضر درباره آن، نظر به موجبی خاص می باشد.

پیش تر باید گفت که طبع فعلاً یگانه کتاب الآثار بیرونی، در سده گذشته، با کوشش و ویرایش علامه شرق شناس شهیر، ادوارد زاخائو (V.Zakhidov) آلمانی (۱۸۴۵-۱۹۳۰م) صورت پذیرفت که واقعا یکی از نمونه های والای طبع علمی - انتقادی محققانه در جهان به شمار می رود (لابیژیک ۱۹۲۳/۱۸۷۸م). طبع زاخائو بر اساس سه نسخه خطی شناخته شده الآثار تا زمان وی صورت گرفت که در مقدمه آلمانی کتاب مشخصات آنها به تفصیل بیان شده و اختلاف های متن در هامش کتاب با علائم P.R.L. نمایانده شده است:

۱) L: نسخه متعلق به موزه بریتانیا (افزوده ریچ / ۴۷۹۱) که معرب و مشکول است و در ۱۰۷۹ق و گویا در یکی از شهرهای مرکزی ایران تحریر شده است.

۲) R: نسخه متعلق به راولینسن که در موزه بریتانیا نگهداری می شود و به دست یعقوب تفرشی در ۱۲۵۴ق در تهران و از روی نسخه ای کهن متعلق به کتابخانه مسجد امام خمینی (سلطانی سابق) تهران کتابت شده است.

۳) P: نسخه کتابخانه ملی پاریس (منضمات عربی / ۷۱۳) که معرب و مشکول است. تاریخ کتابت ندارد، اما نظریه مشابهات ظاهری آن با نسخه L (لندن) گمان می رود که در حدود همان سال ۱۰۷۹ق تحریر شده باشد. زاخائو هر سه نسخه را که دارای اغلاط و نقایص همسان هستند، ظاهراً بر نوشته از یک نسخه «اصل» یا «مادر» می داند، که شاید همان نسخه خطی مسجد امام خمینی (سلطانی سابق) تهران بوده باشد؛ ولی هر سه نسخه به لحاظ رفع نواقص و ارقام جداول متن و جز اینها، مکمل یکدیگر هستند. زاخائو فهرست مبسوطی از نقایص و سقطات و اغلاط هر یک به دست داده است. در ادامه ما بدین نظر اشاره خواهیم کرد که گویا این نسخه اصل (مادر) متعلق به مسجد امام خمینی تهران، همان نسخه الآثار ربع رشیدی (قدیم) متعلق به کتابخانه دانشگاه



■ صفحه نخست نسخه آثار الباقیه ربع رشیدی، به خط ابن کتبی، به تاریخ ۷۰۷ ق. کتابخانه دانشگاه ادینبورگ، شماره Arab161.

ادینبورگ انگلستان باشد. منتها پیش تر می بایست به دیگر نسخه های موجود از این کتاب، بازیافته در طی دهه های ۳۰-۵۰ سده بیستم، نیز اشارتی کرد.

علامه زاخائو در جای جای متن مطبوع کتاب، با اجتهاد و فراست علمی، بر حسب سیاق، دریافته است که پاره هایی از متن اثر نسبت به اصل ساقط می باشد، این امر از برای دانشمندانی که در باب موضوعی از الآثار بیرونی تحقیق می کردند، همواره اسباب دریغ و افسوس و ناخرسندی بوده است؛ چنان که از جمله مرحوم سید حسن تقی زاده در طی نامه هایی (به سال ۱۳۳۸/۱۳۳۹) به مرحوم عباس اقبال آشتیانی نوشته است:

«گمان می کنم در طهران نسخه الآثار الباقیه مال بیرونی پیدا شود، زیرا که مرحوم اعتضاد السلطنه در کتاب فذلک السعاده خود از آن نقل می کند؛ در صورتی که در تمام کتابخانه های فرنگ و اسلامبول دو سه نسخه بیش نبوده که مأخذ طبع زاخائو بوده و همه آنها ناقص بودند. این است که از نسخه چاپی شاید پنجاه صفحه «ناقص» است که دسترسی

2. Chronologie Orientalischer Völker Von al-Beruni, Leipzig, 1878, vor. pp. LIV-LVI.

چندکه به خطی خوشی ولی مغلوپ و پراز اشتباه است و دیگری نسخه کتابخانه دانشگاه ادینبورگ انگلستان است (ش ۱۶۱) که تاریخ کتابت آن ۷۰۷ ق به خط کاتب شهیر، ابن الکتبی (د ۷۵۴ ق) است که دارای ۲۵ مجلس مینیاتور منسوب به مکتب «ایرانی» عهد مغول می باشد. با وجود آگاهی پیشین و دیرین درباره این نسخه، امانومید از امکان حصول نسخه عکسی آن، کار تصحیح ثانوی علمی - انتقادی الآثار بیرونی را آغاز کردم، سرانجام بسی دیر، پس از آنکه نیمی از متن کتاب ویرایش شده بود باز به همت مدیر محترم مرکز نشر میراث مکتوب و به لطف استادان ایرانی و انگلیسی دانشگاه ادینبورگ - سعیهم مشکوراً - تصویر نسبتاً کارآمدی از آن به دست آمد و آشکار شد این نسخه که «مادر» همه نسخه های پیشین آن به شمار آمده است نیز مانند آنها دارای همان «ساقطات» موجود در نسخه کامل و یگانه کتابخانه عمومی استانبول است، ولی داستان نسخه ادینبورگ کم و بیش مفصل است که ما مجملی از آن را در اینجا بیان می کنیم:

تاکنون ایران شناسان درباره نسخه الآثار بیرونی متعلق به کتابخانه ادینبورگ سه گفتار نوشته اند:

۱) مقاله تی. وی. آرنولد (T.W. Arnold) با عنوان «عمل سزارین در نسخه خطی الآثار بیرونی» (جشن نامه براون، ۱۹۲۲ م) که مؤلف در آن بر حسب شرح بیرونی و تصویر راجع بدان همین را نشانگر دیرینه ترین عمل سزارین (رستمین) می داند. سپس آرنولد می افزاید که این نسخه خطی قبلاً در تملک آقای ا. ام. ام. بینینگ در مدرس هند بوده و او آن را به سال ۱۸۵۱ م / ۱۲۶۸ ق در اصفهان خریده است؛ و اول بار هم پروفیسور زالمان آن را در نشریه سن پترزبورگ (۱۹۱۲ م) توصیف کرده است. متأسفانه این نسخه موارد ساقطه از متن طبع زاخانو را جبران نمی کند، اما خصوصیات نقاشی های ایرانی (۲۵ مجلس) در آن، ناظر به مکتب میان رودانی (عراق)، اولاً تحت نفوذ سنن چینی و مغولی، ثانیاً تحت تأثیر نقاشی های بیزانسی ناظر به هنر کلیسای نسطوری در زیر سلطه مغولان می باشد.^۵

۲) مقاله ه. ک. مولر (H.K. Moller) دانمارکی با عنوان «نگارگری الآثار در دستنوشته ادینبورگ» (یادنامه بیرونی، ۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ م) که با شرح مشخصات نسخه شناسی آن (۱۷۸ گ [به غلط «۲۱۲» گ]، ۱۳/۵ x ۳۰ س م، هر صفحه

بدان نداریم، این جانب از روی قطعات منقول در فلک السعادة بعضی اصلاحات در نسخه چاپی خود کردم، همچنین باید سعی و اهتمامی در پیدا کردن کتاب المسالك و الممالک جیهانی به عمل آید...»^۳

سرانجام ماکس کراوزه (M. Krause) و هلموت ریتر (H. Ritter) ضمن کاوش در کتابخانه های ترکیه (۱۹۳۳ م) خوشبختانه به وجود نسخه ای کامل از متن الآثار الباقیه بیرونی در کتابخانه عمومی استانبول (ش ۴۶۶۷) پی بردند که تاریخ کتابت آن ۶۰۳ ق است (Or. I, 1933, p. 75.) و بدینسان ساقطات اثر در طبع زاخانو معلوم و مکشوف شد.

سپس دو تن از شاگردان کراوزه و ریتر در مکتب شرق شناسی آلمان، با مقابله نسخه چاپی و خطی مزبور «ساقطات» معلوم را بیرون نویسی کردند و آنها را ضمن تطبیق با مواضع سقط در صفحه وسط متن مطبوع زاخانو به چاپ رساندند؛ این دو تن یکی کارل گاربرس (K. Garbers) هامبورگی و دیگری یوهان فوک (J. Fuck) هالی بودند که هر یک بخشی و بر روی هم تمام «ساقطات» الآثار بیرونی را در مجموعه «اسناد چاپ نشده اسلامی» منتشر کردند.^۴ که در ایران نیز کتاب فروشی جعفری تبریزی همین دو بخش را با عنوان ساقطات الآثار الباقیه عیناً به طور افست تجدید چاپ کرد (۱۳۴۸ ش).

از آن پس، ویرایش نوین الآثار بیرونی، بر اساس نسخه کامل کتابخانه عمومی استانبول، همواره مورد انتظار و مطالبه محافل شرق شناسی و ایران شناسی بوده است؛ لیکن این امر پس از انقراض نسل شرق شناسان غول آسای کلاسیک (در آلمان و هلند) دیگر صاحب همتی پیدا نکرد، تا این اواخر که در ایران قرعه فال به نام بنده افتاد، چنان که مرکز نشر میراث مکتوب مجدانه وسایل کار را فراهم ساخت و تصویر نسخه کتابخانه عمومی استانبول را که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۴۹) وجود داشت در اختیارم قرار داد. ولی باید از وجود دو نسخه مهم دیگر از الآثار الباقیه بیرونی در جهان (علاوه بر آنچه زاخانو یاد کرده است) نیز سخن گفت؛ یکی نسخه کتابخانه کاخ توپکاپی استانبول (ش ۳۰۴۳) که تاریخ کتابت آن ۸۱۳ ق است و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۹۷۱) وجود دارد؛ این نسخه رونوشتی تقریباً کامل از نسخه کتابخانه عمومی استانبول است، هر

۳. مقالات تقی زاده، زیر نظر ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۹۲.

4. *Documenta Islamica Inedita*, Berlin, AK - Vc., 1952, pp. 45-98.

5. *A volume of Oriental Studies (Presented To E.G. Browne)*; Cambridge, 1922; Amsterdam, 1973, pp. 6-7.

۲۱) گوید: «این نسخه در کنار کتاب جامع التواریخ رشیدی، در عهد استیلای مغولان بر ایران یا در زمان ایلخانان بزرگ، احتمالاً با عنایت به جنبه های فنی کتابت و نقاشی در تبریز نوشته شده است؛ هر چند که تصاویر مزبور زیاد با مطالب تاریخ شناسی کتاب الآثار تناسبی ندارد، اما ظاهراً این کار به دلیل احترام بانی آن نسبت به ابوریحان بیرونی صورت پذیرفته است.»^۶

۳) گفتار بلند پ. سوکک (P. Suocck) با عنوان «نسخه های خطی مصور الآثار بیرونی» که در مجموعه مقالات دانشمند و عارف که به یاد ابوریحان بیرونی و جلال الدین رومی منتشر شده به چاپ رسیده است. در این مقاله همان مطالب مزبور به تفصیل بیشتر و شرح جزئیات دیگر بازگفته شده و احتمال داده شده است که این نسخه بایستی در تبریز یا مراغه تحریر و نقاشی شده باشد؛ اما سوکک هر ۲۵ مجلس موصوف را جداگانه و به طریق کاملاً فنی و با طبعی استادانه و زیبا و پیراسته در پایان گفتار خود فراموده است.^۷

بنابراین و بر حسب قراین و شواهد دیگر، چنان که پیش تر هم راقم این سطور نوشته است: ما ذره ای تردید نداریم که نسخه خطی الآثار الباقیه، (ادینورگ) به سال ۷۰۷ق در تبریز و برای کتابخانه ریح رشیدی از برای خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر فراهم گشته است، درست همان طور که جامع التواریخ تألیف خود او و جز اینها را در همان زمان (بین سالهای ۷۰۶ - ۷۱۰ق)، استادان فن بدین گونه با تصاویر و مجالس آراسته کردند.^۸

اما کاتب و شاید هم نقاش نسخه الآثار بیرونی، ابن الکتبی، همانا نصیرالدین ابوالمحاسن یوسف بن الیاس بن احمد خویی شافعی بغدادی (د ۷۵۴ق)، طیب و عالم به فرایض و اصول، باشد که زمانی استادیار مدرسه مستنصریه در بغداد بوده است و از تألیفات وی کتاب مالایسع الطیب جهله را در مفردات طبی (تالیف ۷۱۱ق) می توان نام برد.^۹

اکنون آنچه گفتنی است همانا سبب احترام خاص و اظهار قدرشناسی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر، عالم و مورخ، نسبت به عالم کبیر ریاضی ایران، حکیم ابوریحان بیرونی است و این امر چنانکه محققان آثار این

لِلنَّسْفِ نَادِيًا وَمَعَهَا ذَانَهُ مَاعَزَّ عَنِّي، وَكُنْتُ أَكْثَرَ لِعَلَّامِي وَمُعَادِيًا عُرِفْتُ
سَنَاءً وَسَاءً، وَسَعَى زَيْنًا بِنَاخَتِ دَوْلَةٍ مَوْلَانَا أَمَنَةً نَسَبًا لِأَمَانَةِ
وَلِيٍّ النِّعْمِ مِمَّنْ الْعَصَا بِأَيْدِي دَامَ اللَّهُ نَدْبَةً وَنَفْسًا بِأَمْنٍ عَضُدًا وَاعْتَدْتُ
وَسَائِلَهَا مَتْرًا وَطَنَا فَوْسَةً وَأَعْضَادِي، وَبَوَّيْتُهَا لِيُؤَيِّدَ بِنَيْتِ وَالنَّسْفِ
الرَّاهِزِ لِقِسَادِي وَأَرْغَمَانِي عَزَمْتُ أَنَّهُ وَصَانَهُ الْمَيْلُ خَلَّةً الدَّكَاذِمَةَ
تَوَاحُشَ الطَّاعَةِ الْمَرْفُوعَةِ وَأَدْمَانَ اللَّطَا لَهْ سَوَّلًا حُجْرًا عَمَهُ سُدَّ حُجْرَهُ

وَلِنِخْتِ رَاحِمِ الْكِتَابِ

بِهَيِّتِهِ الرَّقْمِيَّةِ وَهَدِيَّةً وَأَوْفَى سَبِيلَ الْزَيْنَةِ الْعَلِيِّ بِهَيْلَانِ مَرْكَزِ كَلَنْتَرِ
بَنِي وَجْهِ حَرِّ حَيْوَةٍ وَنَسَبَةٍ وَأَصْلُوهَا عَلَى الْمَغْرُوبِ أَنْ حَبْرًا مَهْدِيًّا وَنَايِبًا
د. وَعَلَى أَعْلَى الطَّامِرِينَ قَدْ نَسَبْنَا حَبْرًا
: تَمْرُزُقَرُ لِمَقَرَّةِ النَّبِيِّ إِلَى اللَّهِ الْعَسْبِي
: أَرْزُوكُشِي أَزِيدًا لِسَعْيِهِ حَيْوَةً
: ۷۰۷ مَجْمُوعَةٌ فَاهْمٌ لِمَنْ رَوَى عَنْهُ وَرَوَى عَنْهُ
: سَيَرًا وَتَوَاحُشًا عَمَلًا بِالْمَطْبَعَةِ الطَّامِرِينَ

انجام نسخه آثار الباقیه ریح رشیدی، به خط ابن الکتبی، به تاریخ ۷۰۷ق. کتابخانه دانشگاه ادینبورگ، شماره Arab161.

دو مرد بزرگ علم در این زمین گفته اند، بسا بدین موجب باشد که اصولاً خواجه رشید پیرو مکتب تاریخی یا ملل و نحل نگاری و جامعه شناسی ابوریحان بوده است. دو تن از برجسته ترین دانشمندان ایران شناس در این خصوص تحقیق کرده اند:

یکم، کارل یان (K. Yahn)، طابع مشهور مجلدات جامع التواریخ رشیدی، در طی دو گفتار؛ یکی گفتار با عنوان «زندگی و آموزه بودا» (از کمالشری، رشیدالدین) در مجله آسیای مرکزی (۱۹۵۶م) که در آن گوید خواجه رشید همدانی از کتاب تحقیق ماللهند بیرونی در کتاب «تاریخ هند» جامع التواریخ خود بهره وافیه برده است، از جمله تعالیم بودایی مشروح در آن را با اطلاعات کمالشری بخشی هندی زمان خود در آمیخته است.^{۱۰} دیگر گفتاری با عنوان «در باب اساطیر و دین هندیان حسب روایت مسلمانان سده های میانه» (جشن نامه هائری ماه، ۱۹۶۳م)

6. The Commemoration Volume of Biruni International Congress In Tehran, Tehran, H.C.C.A., 1976, pp. 235-246
7. The Scholar and the Saint (Studies In Commemoration of Abu'l Rayhan Al-Biruni And Jalal al-Din al-Rumi), Edited by Peter J. Chelkowski, New York University, 1975, pp. 103-168
8. نک: پرویز اذکایی، ابوریحان بیرونی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۷-۲۳۸.
9. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، بیروت، ج ۱۳، ص ۲۷۴، الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، ط ۸، ج ۸، ص ۲۱۷.
10. Central Asiatic Journal (International Periodical ...), Vol. II (1956), pp 81-128.



■ نسخه آثار الباقیه ربیع رشیدی، به خط ابن کتیبی، تخریب معبد اورشلیم، مکتب تبریز، ۷۰۷ ق.
 [La Peinture persane, by Basil Gray, Geneve, 1961, p. 27: نقل از: Arab 164 شماره، گ ۱۵۸ الف. نقل از: کتابخانه دانشگاه ادینبورگ، شماره Arab 164، گ ۱۵۸ الف.]

از مطالب جغرافیایی و تاریخی کتاب الهمد بیرونی، استفاده کرده است، چه تا زمان ابوالفضل علامی (د ۱۰۱۱ق)، مؤلف آیین اکبری، کسی بدان کتاب توجه و استناد نکرده است، مگر خواجه همدانی که در «تاریخ هند» جامع التواریخ خود را از آن گفتاور نموده است، به علاوه وی احتمالاً از کتاب پانتجلی بیرونی هم - که آن را از سانسکریت به عربی ترجمه کرده است - نیز می بایست بهره برده باشد.^{۱۱}

است که آن هم راجع به فقرات مأخوذ و منقول خواجه رشید از کتاب الهمد بیرونی در «تاریخ هند» جامع التواریخ خود می باشد.^{۱۱}
 دوم، پروفیسور جان بویل (J.Boyle)، استاد نامدار تاریخ عصر مغول و ایلیخانان ایران، که در گفتاری با عنوان «بیرونی و رشیدالدین» (یادنامه بیرونی، ۱۹۷۶م) می گوید: «خواجه رشید همدانی یگانه نویسنده در سده های میانه است که



■ برگی از وقف نامه ربیع رشیدی، به خط رشید الدین فضل الله همدانی، مقتول ۷۸۸ ق. [نقل از متن عکسی وقف نامه، تهران، ۱۳۵۰]

11. *Mélanges d'orientalisme offerts A Henri Massé*, Tehran University, 1963, pp. 185-197.
 12. The Comm. Vol. Biruni Int. Cong, pp.99-112.

امثال شرطی

وقف کرده آمد آر کت^{شارالعلم} از طلاب علم ما ایان مدار انتفاع کهنه
و بطلمه و اپتلفیخ و غیر آن و شرط کرده که اسکت را
ارکامضامه بر دل نبرند. الا بر هنی رهتت که قیمت آر مثل
قیمت ارکام باشد اگر در ربع صدکی برزند. و اگر
پردل از ربع صدکی بریم. رهنی سه که قیمت از صد قیمت
کتاب باشد. و اصلاً اگر در هر دو حال آن محاسن دیگر نبرند
و او کتا اگر انتفاع هم در کتا سخته کبرند. برابر خازن با
خازن از رهتت مجال دهند. و اگر آ - موقوفه موقوفه
رهتت مودر نزد واقف. و حالت ارار مکل و تفریح ع



برگی از وقف نامه ربع رشیدی، به خط رشیدالدین فضل الله همدانی، مقتول ۷۱۸ ق.
انقل از متن عکسی وقف نامه، تهران، ۱۳۵۰